اسرار تازه‌ای از سرقت اسناد طبقه‌بندی شده وزارت امور خارجه:

اسناد همکاری «کاظم رجوی» با ساواک در میان اسناد بوده شده از وزارت امور خارجه کشف شد

دادگاه امیرانتظام وارد شور شد

آیت‌ا... العظمی منتظری ترور مولوی حسین بروشهادت برادران ژاندارم را محکوم کردند

کودتا و ضد کودتا ۵

تحلیلی درباره بودجه ۱۳۶۰

جمهوری اسلامی

به اتهام سرقت اسناد سری مدیرکل امور کنسولی وزارت امور خارجه دستگیر شد

با تعهد دولت کویت در مقابل ایران: کشتی پاناماتی آبهای ایران را ترک کرد

توسط جنگنده‌های نیروی هوائی و پاسداران انقلاب

تأسیسات نفتی ۳ منطقه در خاک عراق به آتش کشیده شد

کنترل ارتفاعات و پاسگاه شیخ سله بدست پاسداران انقلاب افتاد

اسناد منتشرنشده ساواک درباره برادران رجوی چه می‌گویند؟

نیمه نادیده عفو مسعود رجوی توسط شاه

گزارش نمایندگی ساواک از همکاری کاظم رجوی، سال ۱۳۴۹

گروه سیاست/ مسعود رجوی، رهبر منافقین، جزو معدود بازماندگان نسل اولیه سازمان مجاهدین خلق بود که شهریورماه ۱۳۵۰ توسط ساواک دستگیر شده بودند. بهمن همان سال، دادگاه ۱۱ نفر از اعضای اصلی سازمان برگزار شد و طی آن متهمان ردیف یک تا چهار (ناصر صادق، محمد بازرگانی، مسعود رجوی و علی میهن‌دوست) به اعدام و سایرین به حبس محکوم می‌شوند. چند ماه بعد در دادگاه تجدید نظر هم همین حکم تأیید می‌شود، اما فردای اجرای حکم، روزنامه‌ها اعلام می‌کنند مجازات مسعود رجوی به‌دلیل همکاری در جریان رسیدگی به پرونده، از جانب شاه با یک درجه تخفیف به حبس ابد تبدیل شده است. سازمان منافقین و رجوی در تمام این سال‌ها، علت این تخفیف حکم را فعالیت‌های حقوق بشری کاظم رجوی - برادر مسعود- که ساکن اروپا بوده معرفی می‌کنند. ادعایی که شاید بخشی از واقعیت باشد، اما همه آن و علت اصلی‌اش نیست. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی برای نخستین بار با مروری بر اسناد پرونده کاظم و مسعود رجوی در ساواک، ناگفته‌های این ماجرا را بازگو کرده است.

■ **«صفا» در سوئیس**

کاظم رجوی برادر بزرگتر مسعود، سال ۱۳۳۶ برای ادامه تحصیلات به فرانسه و پس از مدتی به سوئیس رفته و سال ۱۳۵۲ موفق به اخذ مدرک دکترای علوم‌سیاسی از دانشگاه ژنو می‌شود. کاظم در سال‌های اقامت در اروپا، هرچند در ظاهر در طیف مخالفان رژیم شاه تعریف می‌شود اما در پشت پرده با نمایندگی ساواک در سوئیس مرتبط می‌شود. او با نام مستعار «صفا» در نقش یک منبع اطلاعاتی، به‌طور پراکنده برخی اخبار دانشجویان مخالف را به سفارت منتقل می‌کند. پرویز ثابتی که در مقطعی کوتاه در دهه ۳۰ با کاظم رجوی آشنا شده، در کتاب خاطرات خود مدعی است او بوده که برای نخستین‌بار کاظم را به نمایندگی ساواک در سوئیس وصل کرده است: «کاظم رجوی پس از یکی دو سال برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی فعالیت می‌کرد. من هم برای مسافرتی به سوئیس رفته بودم و از طرف ساواک کاری داشتم و ۹-۸ سال هم از سابقه من در ساواک می‌گذشت. حوالی سال ۱۳۴۷ بود و خواستم کاظم رجوی را ملاقات کنم که مثلاً ببینم چه کاری می‌توانم درباره او انجام بدهم. به کاظم تلفن زدم و گفتم که «مرا یادت هست؟» گفت «بله کجا هستید؟ همدیگر را ببینیم.» رفتیم و همدیگر را دیدیم. از او پرسیدم اینجا چه می‌کنی؟ البته می‌دانستم و پرونده‌اش را مطالعه کرده بودم. به هرحال دیدم که خیلی هم سفت و سخت نیست و فقط یک انتقادهایی از شاه دارد، ولی زیاد مهم نیست... مسلماً در آن موقع هنوز نمی‌دانست برادرش (مسعود) در شبکه مجاهدین‌خلق فعالیت دارد. از من پرسید شما چه می‌کنید؟ من هم گفتم در نخست‌وزیری هستم. گفت همان ساواک؟ من هم صراحتا گفتم بله. گفت خب اینجا در سوئیس چه می‌کنی؟ خلاصه حین گفت‌وگو دیدم که دمش سست است و به‌عنوان نمایندگی ساواک در آنجا استخدامش کردم و به نماینده ساواک در ژنو تحویلش دادم.»

با توجه به قرائنی از جمله اسناد موجود و اینکه نمایندگی ساواک در سوئیس، از نظر اداری و چارتی زیر نظر اداره سوم ساواک (امنیت داخلی) بوده و پرویز ثابتی نیز در آن دوران معاون دوم آن اداره بوده، روایت او درباره جذب کاظم رجوی به همکاری می‌تواند درست باشد. کاظم تا چندسال بعد به‌عنوان منبع ساواک، گزارش‌های مختلفی از فعالیت دانشجویان ایرانی به نمایندگی ساواک می‌دهد. او علاوه‌بر ارتباط با رئیس نمایندگی ساواک در سوئیس، با پرویز خوانساری که سال‌ها است مسئولیت سرپرستی امور دانشجویان ایرانی ساکن اروپا را برعهده دارد و ساکن ژنو است نیز مرتبط است.

■ **دستگیری مسعود و تلاش‌های پشت‌پرده**

پس از انتشار خبر دستگیری شهریورماه ۱۳۵۰ مسعود رجوی در داخل کشور، آبان‌ماه از نمایندگی ساواک در سوئیس خواسته می‌شود با توجه به اینکه مسعود از اعضای فعال گروه بوده و در دادگاه به مجازات محکوم خواهد شد به‌طور رسمی تماس گرفته و ضمن توجیه وی یادآوری گردد از هرگونه اقدام جنجالی خودداری شود و چنانچه به منظور ملاقات با برادرش مایل است به کشور مسافرت نماید، تسهیلات لازم جهت وی فراهم گردد.» پیرو این دستور، نمایندگی ساواک در سوئیس بلافاصله با کاظم ملاقات و نکات مدنظر را به او ابلاغ می‌کند. او ضمن قول مساعد در این زمینه می‌گوید فعلاً به‌دلیل گرفتاری تحصیلی و مالی قصد سفر به ایران را ندارد اما درخواست می‌کند ساواک به پرونده برادرش کمک کند. پس از این ملاقات، بخش ۳۱۵ ساواک که مسئولیت ارتباط با نمایندگی‌ها را عهده‌دار است، ضمن گزارش این درخواست رجوی به رئیس اداره سوم (یعنی مقدم) پیشنهاد می‌کند «با توجه به اینکه در پرونده محصول منبع مزبور، مشخص گردید فعالیت‌های این شخص در اهداف مورد ذکر، ارزشمند و قابل بهره‌برداری بوده، بویژه با انتشار خبر بازداشت مسعود رجوی نفوذ و دسترسی او در زمینه کسب اطلاعات از اهداف مورد نظر بیشتر گردیده، از طرفی ادامه همکاری مشارالیه ثمربخش است، در صورت تصویب از طریق بخش ۳۱۲ اقدامات در زمینه کمک به مسعود رجوی به عمل آید. منوط به رأی عالی است.» مقدم به بخش ۳۱۲ (بخش مبارزه با احزاب و گروه‌های افراطی سیاسی و براندازی) که مجاهدین‌خلق را دستگیر کرده دستور مذاکره درباره این موضوع را می‌دهد. نهایتاً ازغندی رئیس بخش ۳۱۲ در پایین نامه چنین می‌نویسد: «مذاکره شد و وضعیت به عرض مقام ریاست کل رسید. با توجه به این‌که استحقاق کمک دارد پس از ارسال پرونده به اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی، گزارش عرضی تهیه و کسب اجازه خواهد شد.»

کاظم رجوی علاوه‌بر تعامل با ساواک، با توجه به اینکه در ظاهر جزو نیروهای مخالف شاه است، به‌طور موازی فضاسازی مطبوعاتی و رسانه‌ای روی پرونده برادرش را نیز دنبال می‌کند. از جمله اینکه تلگرافی علنی به شاه زده و اعلام می‌کند در صورت صحت خبرها درباره برادرش، ایرانیان سوئیس اعتراض خواهند کرد. کلیه اقدامات کاظم در ماه‌های بعد، روی همین دو ریل موازی پیگیری‌های پشت پرده و اقدامات رسانه‌ای علنی پیش می‌رود. از جمله اینکه با هماهنگی و کارسازی او برخی مطبوعات اروپایی روی محکومیت مسعود مانور داده و برخی چهره‌های سیاسی و غیرسیاسی سوئیسی و اروپایی در تلگراف‌هایی به شاه، نسبت به سرنوشت مسعود رجوی اظهار نگرانی می‌کنند.

دی ماه، پدر رجوی نامه‌ای دو صفحه‌ای خطاب به شاه نوشته و در بخشی از آن با ذکر مراتب شاهدوستی فرزندانش بخصوص کاظم و صالح و درج خبر محکومیت مسعود به اعدام در مطبوعات خارجی می‌نویسد :«از پیشگاه مقدس استدعا دارد اوامر ملوکانه شرف صدور یابد که در مورد نامبرده تحقیقات بیشتری مبذول و چنانچه خدای نخواسته وجود داشته باشد، باید تو وجود داشته باشی. یک آدم منطقی وقتی حرف‌های خلاف منطق زد، دلیل بر این است که در حالت عادی نیست. می دانی که محکمه تجدیدنظر همه نوع اختیاری دارد. وظیفه اخلاقی هرکسی است که وقتی عصبانی‌ات کرد و احیاناً دادستان را تهدید به کشتن نمود به محض اینکه عصبانیتش رفع شد، از گفته و تندروی خود در همان مورد مخصوص معذرت بخواهد. به این ترتیب تمنا دارم در تجدیدنظر، کمال خونسردی خود را حفظ کن. به سؤالات جواب کوتاه مثبت یا منفی بده. از بدو شروع دادگاه از جملاتی نظیر آنچه در بالا ذکر شد که جنبه شخصی دارند و موجب عصبانیت و تحریک دادستان محترم شده و می شوند عذرخواهی کرده، تقاضا کن که آنها را زاییده عصبانیت و بی‌حوصلگی بینگارند.» گردش‌کار این رفت‌وبرگشت‌ها به شاه گزارش می‌شود و او چنین نظر می‌دهد: «تصور نمی‌رود صحبت با برادرش در زندان عملی باشد. با سازمان مذاکره شود ترتیبش را بدهند اگر در دادگاه تجدیدنظر اظهار ندامت نکند نمی‌شود کاری کرد. با یکی از قوم و خویش‌هایش صحبت کنید که برود بگوید.»

۱۵ و ۱۶ اسفندماه، پیش از برگزاری دادگاه تجدیدنظر مسعود رجوی، او با پدرش ملاقات می‌کند. ازغندی در گزارش خود می‌نویسد «این ملاقات تا حد زیادی در او و پدرش مؤثر افتاد. مراتب جهت صدور اوامر عالی در زمینه اخذ تماس تلفنی مسعود رجوی با برادرش که مقیم برن- کشور سوئیس است معروض گردید.» از اینکه تماس تلفنی کاظم با برادرش برقرار شده یا نه و محتوای احتمالی آن، سندی در دست نیست، اما اولین روزهای فروردین ۵۱ مصاحبه کاظم با تلویزیون سوئیس درباره محاکمات سیاسی ایران و پرونده برادرش پخش می‌شود. او در این مصاحبه بدون اشاره به تلاش‌های پشت پرده‌اش و با حفظ پرستیژ فعال حقوق بشری‌اش می‌گوید: «پدرم از من که اولاد ارشد او هستم در مورد نجات برادرم استمداد می‌کند، ولی از دست من که یک نفر محصلم چه برمی‌آید؟ من نگران پدر پیر و مادر مریضم هستم و از افکار عمومی مردم سوئیس برای نجات خانواده خود کمک می‌طلبم.» او چند روز بعد در مصاحبه با رادیو فرانسوی‌زبان سوئیس همین حرف‌ها را تکرار و اعلام امیدواری می‌کند به مناسبت عید نوروز، اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر برادرم را مورد عفو قرار دهند و از مردم سوئیس می‌خواهد او را در این راه پشتیبانی کنند.

۳۰ فروردین، روزنامه‌ها ضمن اعلام خبر اعدام چهارنفر (ناصر صادق، محمد بازرگانی، علی باکری و علی میهن‌دوست) اعلام می‌کنند «مسعود رجوی نیز که به همین اتهامات تحت تعقیب بوده و در دادگاه‌های عادی و تجدیدنظر به اعدام محکوم شده بود، چون در جریان تعقیب، کمال همکاری را در معرفی اعضای جمعیت به‌عمل آورده و در داخل زندان نیز برای کشف کامل شبکه با مأموران همکاری کرده، به‌فرمان مطاع مبارک شاهانه، کیفر اعدام او با یک درجه تخفیف به زندان دائم با اعمال شاقه تبدیل شده است.»

واقعیت این است که کاظم رجوی، هم در دوران دستگیری برادرش و هم پس از آن، با وجود رفتار دوگانه‌ای که دارد، همچنان به‌عنوان یکی از منابع اطلاعاتی نمایندگی ساواک در سوئیس ایفای نقش می‌کند. یکی از اسناد ساواک سال ۵۶ در گزارشی درباره او می‌نویسد: «اقدامات نامبرده در زمینه جلب افکار عمومی نسبت به محکومیت برادرش سبب می‌شود که عوامل منحرف ایرانی در اروپا از قبیل رهبران کنفدراسیون و ناصر افشارکه قتلی متوجه وی شده درصدد برآیند نامبرده را به‌فعالیت‌های سیاسی مخالف بکشانند. همین امر که سبب دسترسی بیشتر وی به‌اخبار مورد نیاز بود سبب آن می‌شود که نمایندگی در جلب همکاری وی کوشش بیشتری مبذول داشته و سرانجام تقاضای استخدام وی را بنماید.» بنا بر این گزارش از این به بعد است که کاظم به‌عنوان منبع رسمی نمایندگی سوئیس با مقرری ماهانه یک‌هزار فرانک استخدام می‌شود.

خدمات و خبررسانی‌های کاظم به ساواک از این پس بیشتر می‌شود و به موازات آن، ساواک نیز به او لطف‌هایی می‌کند. تیرماه ۵۱ او نامه‌ای خطاب به سرهنگ محرری، رئیس زندان قصر نوشته و ضمن تشکر از خوش‌رفتاری و محبت او و مأموران تحت امرش نسبت به زندانیان بخصوص برادرش، از او می‌خواهد مقررات زندان را برایش ارسال کند تا او بداند مسعود امکان پاسخ به نامه‌ها یا دریافت پول و کادو را دارد یا نه؟ کاظم همچنین آخرین روزهای شهریور ۱۳۵۱ به کنسولگری ایران در ژنو مراجعه کرده و در دیدار با پرویز خوانساری و رئیس ایستگاه ساواک می‌گوید تا کنون هفت نامه به آدرس پدرش در مشهد ارسال کرده، اما نه خبری از رسیدنشان دارد و نه خبری از جواب احتمالی پدرش. نمایندگی ساواک در سوئیس در پایان گزارش خود خطاب به اداره امنیت داخلی ساواک می‌نویسد: «با توجه به اینکه به‌نامبرده توصیه شده است هر مشکلی دارد بدون مراجعه به سایر مراجع، با اینجانب حل و فصل نماید، لذا تقاضا دارد که نامه ضمیمه را در مشهد به پدر نامبرده رسانده و جواب آن را نیز به اینجانب بفرستید تا به مشارالیه برسانم.» مقدم، رئیس اداره سوم (امنیت‌داخلی) ساواک نیز نامه کاظم و گزارش این ملاقات را به ساواک خراسان ابلاغ می‌کند و ساواک خراسان هم پس از مراجعه به منزل پدر رجوی، پاسخ او را دریافت و ارسال می‌کند. روابط کاظم و نمایندگی ساواک در سوئیس تا چند سال پس از ماجرای عفو مسعود نیز پایدار و حسنه باقی می‌ماند. اما از مقطعی به بعد به خاطر اقدامات کاظم، حقوقش قطع می‌شود و حتی در مقطعی نیز ساواک پیشنهاد می‌دهد برای کاهش فعالیت‌های او، برخی اسناد همکاری‌اش در اروپا منتشر و افشا شود.

■ **ماجرای همکاری مسعود**

واقعیت این است که تخفیف مجازات بی‌سابقه‌ای که شامل مسعود رجوی می‌شود، تنها ناشی از ارتباطات برادرش کاظم با ساواک نیست، بلکه همکاری‌های خود مسعود در دوران بازداشت نیز نقش مهمی در آن دارد. چرا که او در بین دستگیرشدگان شهریور ۵۰، جزو کسانی است که اطلاعات خوب و مفیدی در اختیار تیم بازجویی قرار داده است.

لطف‌الله میثمی که خود نیز از دستگیرشدگان آن ایام است بعدها در کتاب خاطراتش از اولین روزهای بازداشت می‌نویسد: «آن روزها چشم‌بند نبود، کتم را روی سرم انداخته بودند، اما چون آستر نداشت از پشت آن همه چیز را می‌دیدم. مسعود رجوی را کمالی بازجویی می‌کرد. او را خوابانده بود و می‌زد. مسعود هم یک به یک اسم کوچک بچه‌ها را می‌گفت. کمالی گفت تو چرا نمی‌روی شمال شهر تا وضع رفاه آنجا را ببینی و فقط جنوب شهر را می‌بینید؟ مثل اینکه مسعود چیزهایی گفته بود که او در جوابش چنین می‌گفت. بعدها در عمومی زندان اوین از مسعود پرسیدم آن روز تو که نمی‌دانستی چطوری لو رفتی و چه کسانی دستگیر شده‌اند. در خانه‌ای که تیم خودت بود دستگیر شدی، چطور اسامی دیگران را می‌گفتی؟ گفت بعد فهمیدم که لو رفته‌اند. کمی از دست من ناراحت شد. توقع نداشت با بی‌اعتمادی با او برخورد کنم، اما جواب قانع‌کننده‌ای نداد.»

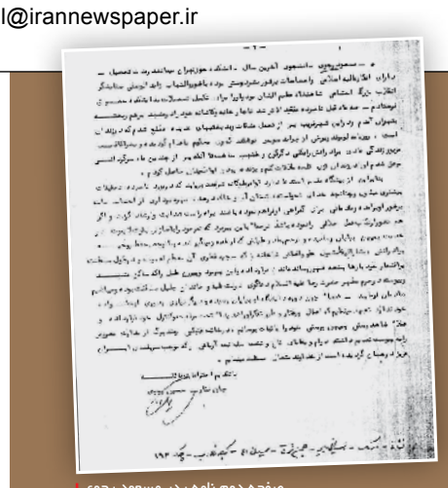
صفحه دوم نامه پدر مسعود رجوی به شاه برای عفو فرزندش، دی‌ماه ۱۳۵۰

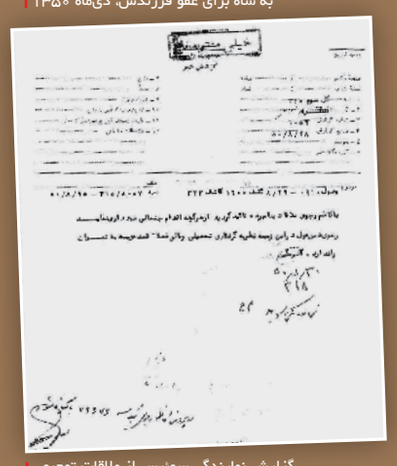
گزارش نمایندگی سوئیس از ملاقات توجیهی با کاظم رجوی، آبان ۱۳۵۰

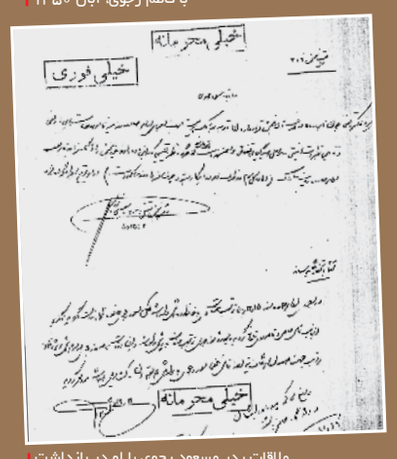
ملاقات پدر مسعود رجوی با او در بازداشت و نظریه ساواک تماس برادرش کاظم از سوئیس با او

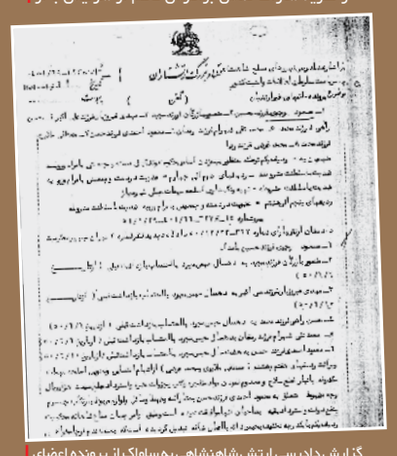
گزارش دادرسی ارتش شاهنشاهی به ساواک از پرونده اعضای سازمان، ذکر عفو مسعود رجوی به دستور شاه در پایین صفحه.

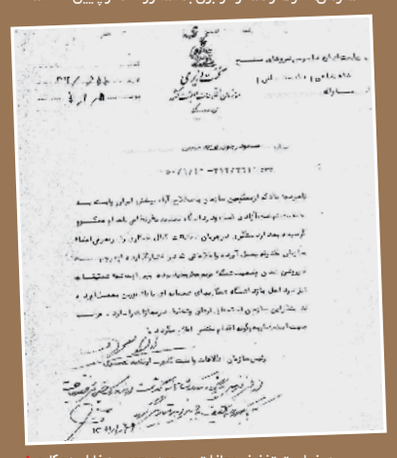
درخواست تخفیف مجازات مسعود رجوی به خاطر همکاری توسط رئیس ساواک، فروردین ۱۳۵۱. در پاراف پایین نامه موافقت شاه با این پیشنهاد اعلام شده است.

همکاری، مسعود رجوی را به هم می‌ریزد و حتی تصمیم به خودکشی می‌گیرد. اما او در سال‌های بعد نیز به همکاری‌اش ادامه داده و در احضارهای گاه و بی‌گاه خود، اطلاعات تحلیلی و مصداقی خوبی به کارشناسان امنیتی ارائه می‌دهد. رجوی در یکی از دستنوشته‌های خود که مدتی پس از فرار تقی شهرام در اردیبهشت ۵۲ در توصیف اوضاع زندان نوشته، چنین می‌نویسد: «جزوه‌هایی که گفتم معمولاً پشت پنجره یا توی کمدهای عمومی بود، مثل اقتصاد و فلسفه یا استراتژی تاکتیک یا نظایر اینها که همان‌طور که گفتم یا از پیش بود یا از زندان‌های دیگر مثل قزل‌قلعه شایع بود آورده‌اند یا موقت شهربانی. مثل تاریخچه مقاله خرده بورژوازی که ظاهراً کار تقی شهرام بود. البته نمی‌خواهم این تصور پیش آید که چون این فرد اکنون متواری است می‌خواهم به‌گردن او بیندازم. هرگز، این فقط حدسی است که با شواهد و قراین می‌زنم والا دقیقاً از خودش نشنیده‌ام. به این دلیل که یکی دوبار با زرنگی می‌آمد و از من در این مورد سؤالاتی می‌کرد و می‌گفت فقط می‌خواهم خودم بدانم. نمی‌دانم این هم راست تلقی می‌شود یا نه، اگر بگویم که من شخصاً با این جزوه‌ها کاری نداشتم چون با اعتقادات مذهبی خودم وفق نداشت یا در بیرون خوانده بودم.»

■ **سرقت ناکام اسناد همکاری کاظم رجوی**

پس از پیروزی انقلاب، کاظم رجوی با حکم کریم سنجابی وزیر امورخارجه دولت موقت عهده‌دار نمایندگی دائمی ایران در دفتر سازمان ملل در ژنو شده و پس از آن در سفارت ایران در سنگال مشغول فعالیت شده بود. آخرین روزهای اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ وزارت امور خارجه در بیانیه‌ای اعلام می‌کند یکی از کارمندان قسمت کنسولی این وزارتخانه که در امور اسناد افراد پاکسازی شده وزارت‌خارجه مسئولیت داشته همراه با فردی به نام مرتضی فضلی‌نژاد به اتهام سرقت و خروج غیرقانونی برخی اسناد دستگیر شده‌اند. دفتر ریاست‌جمهوری (بنی‌صدر) در بیانیه‌ای اعلام می‌کند فضلی‌نژاد نماینده این دفتر بوده و معرفی‌نامه رسمی و کتبی داشته است. با دستگیری مدیرکل امور کنسولی وزارت خارجه، او نیز اعتراف می‌کند که با هماهنگی فضلی نژاد چندین بار اسنادی را از این وزارتخانه خارج کرده و در اختیار برخی افراد قرار داده است.

۳۰ اردیبهشت پس از بررسی بیشتر، معاون فرهنگی وزارت‌خارجه در مصاحبه‌ای اعلام می‌کند بخشی از اسنادی که قرار بوده سرقت شود، اسناد مربوط به همکاری کاظم رجوی با ساواک است که مشخص می‌کند او با نام‌های مستعار «صفا» و «میرزا»، منبع نمایندگی ساواک در سوئیس بوده است. فردای آن روز نیز روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از یک مقام آگاه اعلام می‌کند «یکی از اسناد مربوط به کاظم رجوی است که اکنون در سنگال به‌عنوان کاردار خدمت می‌کند. وی به‌عنوان عضو افتخاری ساواک، با اسم رمز «صفا» و دو شماره کد فعالیت می‌کرد.» او همچنین می‌گوید رجوی را به ایران احضار کرده‌ایم، اما هنوز نیامده است.

به‌رغم ادعای دفتر بنی‌صدر درباره حکم و مأموریت رسمی فضلی‌نژاد، او در بازجویی‌ها هیچ حکم و نامه‌ای مبنی بر مأموریت از طرف ریاست‌جمهوری ارائه نمی‌دهد. ۵ خردادماه دادستانی در بیانیه رسمی‌اش اعلام می‌کند که او اعتراف کرده تا کنون به ۸ وزارتخانه و ارگان‌های دیگری مثل شهربانی و برخی دانشگاه‌ها مراجعه و اسنادی را خارج کرده و تحویل دفتر ریاست‌جمهوری داده است.

۱۲ خردادماه وزارت امورخارجه درباره کاظم رجوی بیانیه‌ای به این شرح صادر می‌کند: «در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۰ طی تلکس شماره ۱۴۹۲ آقای کاظم رجوی برای ادای پاره‌ای توضیحات به ایران فراخوانده شدند. در همان روز طی تلکس شماره ۴۴ ایشان ریز این پول‌ها را قبلاً نوشته‌ام) و سپس ورود بهروز (علی باکری) اعلام شده است. یکشنبه ۲۷ تیر ۱۳۵۰: که این نامه با «د» مشخص شده و ابتدا قرار بود اگر کسی برود با مسافر بفرستیم ولی بعداً که کسی نرفت در ۱۴ مرداد پست شد. در این نامه از وضع شرکت یعنی سازمان خودمان صحبت و انتقاد شده است. چهارشنبه ۳۰ تیرماه ۱۳۵۰ دو نامه به اسامی فروزی ارسال شده که چنانکه از لبنان نوشته بودند و در صفحات بازجویی پیش، از آنها ذکر به عمل آمد. یکی رسیده و دیگری نرسیده.» رجوی هرچند در بازجویی‌ها، اطلاعات خوب و مفیدی ارائه داده بود، اما در دادگاه بدوی و تجدیدنظر مثل اغلب هم‌پرونده‌ای‌هایش از موضع شجاعت و مقاومت سخن گفت. هرچند او در دو دادگاه به اعدام محکوم شد، اما همکاری‌هایش و پیگیری‌های برادرش از ساواک درنهایت به نتیجه می‌رسد. ۲۸ فروردین‌ماه، دو روز پیش از اجرای حکم اعدام چهار متهم ردیف اول، نصیری رئیس ساواک دو نامه درباره مسعود رجوی به رئیس اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی نوشته و اعلام می‌کند با توجه به همکاری‌های او در جریان پرونده اخیر، مجازاتش تخفیف یابد. متن یکی از این نامه‌ها اینچنین است: «نامبرده بالا که از محکومان سازمان به اصطلاح آزادیبخش ایران وابسته به جمعیت نهضت‌آزادی است و در دادگاه تجدیدنظر نظامی به اعدام محکوم شده، بعد از دستگیری در جریان تحقیقات، کمال همکاری را در معرفی اعضای سازمان مکشوفه به عمل آورده و اطلاعاتی که در اختیار گذارده از هر جهت در روشن شدن وضعیت شبکه مزبور مؤثر و مفید بوده و پس از خاتمه تحقیقات نیز در داخل بازداشتگاه همکاری‌های صمیمانه‌ای با مأموران به عمل آورده. لذا به نظر این سازمان استحقاق ارفاق و تخفیف در مجازات را دارد. مراتب جهت استحضار و هرگونه اقدام مقتضی اعلام می‌شود.» یادداشتی که پایین این نامه است و تاریخ فردا را دارد، چنین نوشته شده است: «از شرف عرض پیشگاه مبارک شاهانه گذشت. اوامر مبارک چنین شرف صدور یافت که با یک درجه تخفیف به حبس ابد تبدیل شود.»

خبر این عفو ملوکانه، ۳۰ فروردین در انتهای خبر اعدام چهارنفر دیگر اعضای سازمان در مطبوعات منتشر می‌شود. انتشار علنی تخفیف مجازات به‌خاطر جواب دادند که با اولین وسیله ممکن حرکت می‌کنند و سؤال کرده بودند که آیا بلیت را از محل اعتبار سفارت تهیه کنند یا برایشان ارسال می‌شود؟ که طی تلکس شماره ۱۵۷۴ در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۶۰ به ایشان پاسخ داده شد که بلیت را از اعتبار سفارت تهیه کنند. درتاریخ ۳۰ اردیبهشت ۶۰ طی تلکس شماره ۴۶ ایشان پاسخ دادند که آماده حرکت به سوی تهران هستند. از تاریخ ۳۰ اردیبهشت تا تاریخ ۷ خرداد ۶۰ از مراجعت ایشان خبری نشد و در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۶۰ اطلاع یافتیم که ایشان در پاریس رحل اقامت گزیده‌اند و طی نامه سرگشاده‌ای به ریاست جمهوری، استعفای خود را اعلام کرده‌اند. به هر حال اگر ایشان در رابطه با اسناد محرمانه وزارت خارجه، خود را از اتهامات وارده بری می‌دانستند، بهتر بود که به ایران مراجعت می‌کردند و رفع اتهام می‌کردند. نه اینکه با اقامت غیرقانونی خود در پاریس صحه بر اتهامات خویش بگذارند.» منافقین تا کنون در روایت تاریخی خود، همانطور که ماجرای عفو مسعود رجوی را تحریف کرده‌اند؛ جدایی کاظم رجوی از جمهوری اسلامی را به ماجراهای ۳۰ خرداد گره زده‌اند و افشای اسناد سوابق همکاری او با ساواک را جوسازی سیاسی معرفی می‌کنند.